

الگوی مدیریت توسعه بر مبنای ارزش‌های اسلامی: سیری در دیدگاه‌های امام خمینی (ره)

سید محمد مقیمی

چکیده

از آنجاکه هر جامعه‌ای برای توسعه مادی و معنوی خود نیازمند الگویی منحصر به فرد مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه است و امام خمینی (ره) به‌عنوان پایه‌گذار نظام مقدس اسلامی، اولین تجربه عملی مدیریت توسعه مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را به‌منصب ظهور رسانید؛ پژوهشی در خصوص مدیریت توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره) با استفاده از مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام (ره) انجام شده که مقاله حاضر برگرفته از نتایج علمی-کاربردی آن است. در این مقاله ابتدا بیان مسئله، اهمیت و ضرورت موضوع، اهداف، روش پژوهش، قلمرو پژوهش و کلیات پژوهش تشریح گردیده، سپس مروری کلی بر ادبیات علمی مدیریت توسعه شده و در بخش اصلی مقاله، یافته‌های پژوهشی در قالب مدل علمی-کاربردی طراحی و به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ابتدا مفهوم توسعه، ارتباط دین و توسعه، مفروضات توسعه، نقش‌های مدیریت دولتی در توسعه، ابعاد توسعه مدیریت، برنامه‌ریزی توسعه و تقدم و تأخر کارکردهای توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره) تبیین و تشریح گردیده و سپس مدیریت توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از دیدگاه امام (ره) به تفکیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت توسعه، ارزش‌های اسلامی، توسعه مدیریت، دیدگاه امام خمینی (ره)، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی

۱. استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

نویسنده مسئول مقاله: سید محمد مقیمی

Email: moghimi@ut.ac.ir

مقدمه

هدف نهایی مدیریت در هر جامعه‌ای، دستیابی به توسعه است و تمامی اقدامات و مکانیزم‌ها در جهت تحقق اهداف توسعه سامان می‌یابد. از آنجا که مدیریت توسعه در هر جامعه‌ای در قالب سیستم ارزشی همان جامعه متبلور می‌شود، شناخت سیستم ارزشی معطوف به توسعه از اولویت‌هاست. بنابراین قبل از اقدام و اجرای هر نوع برنامه‌ای در راستای توسعه جامعه، باید فرهنگ توسعه متناسب با نظام ارزشی مورد موشکافی و امعان نظر قرار گیرد سپس با این شناخت اولیه، مفروضات برنامه‌های توسعه بر آن اساس استوار شود. امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار و پایه‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، یکی از نوابع عصر حاضر است که دیدگاه‌های ارزشمند ایشان راهگشای بسیاری از جوامع جهان سوم بوده است. از آنجا که تأسیس حکومتی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و اداره آن برای نیل به اهداف الهی در جهان امروز بی‌سابقه بوده، ایجاد چنین حکومتی در ایران که فاقد الگوی عملی و حتی تئوری‌های لازم متناسب با شرایط امروز دنیا بوده است، کار بسیار مشکلی است. امام خمینی (ره) با درک چنین شرایطی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی تلاش نمودند تا با تبیین مسایل و مشکلات جهان امروز و اهداف نظام جمهوری اسلامی، با توجه به مقتضیات زمانی و رویدادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و... رهنمودها و بیاناتی را جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف این نظام، در سایه توسعه مادی و معنوی ارایه نمایند. رهنمودها، سخنرانی‌ها و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره) در دوران مبارزات مردم انقلابی ایران بر علیه رژیم شاهنشاهی و همچنین پس از پیروزی شکوهمند اسلامی، منبع و ذخیره ارزشمندی است که می‌تواند به‌عنوان مفروضات نظام ارزشی محور الگوی بومی توسعه در ایران قرار گیرد. هرچند که برنامه ریزان کشور اسلامیمان همواره رهنمودها و سیره عملی حضرت امام (ره) را به‌عنوان مبنای اساسی در برنامه‌ریزی توسعه مورد توجه قرار داده‌اند، اما به‌علت فقدان پژوهش‌های علمی و جامع پیرامون موضوع توسعه در عمل در استفاده از چنین منبع ارزشمندی از بهره کامل بی‌نصیبند. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای فراهم کند تا براساس ابعاد و جوانب مدیریت توسعه، مفروضات ارزشی متناسب با آن ابعاد به‌صورت مدون و نظام‌یافته مهیا شود و استفاده عملی از دیدگاه‌های حضرت امام (ره) را در جهت توسعه ایران اسلامی فراهم سازد.

بیان مسئله

توسعه فرآیندی سیستمی، تکاملی و چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در نیروی انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیکی و ... متناسب با نظام ارزشی جامعه به منظور ارتقاء زندگی بشری از جنبه مادی و معنوی است. به عبارت دیگر، تحول در ابعاد کمی و کیفی جامعه در جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی افراد، متناسب با نظام ارزشی جامعه را توسعه گویند. برخی از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که الگوی توسعه را می‌توان از جوامع پیشرفته اقتباس نمود و همان مسیری را طی نمود که کشورهای مرفعی طی نموده‌اند. در حالی که عده دیگری از صاحب‌نظران معتقدند که هر جامعه‌ای برای پیمودن مسیر توسعه نیازمند الگویی منحصر به فرد است که مطابق ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی آن جامعه سامان یافته باشد. کشور ما که هم‌اکنون در دهه سوم انقلاب اسلامی قرار دارد، متأسفانه هنوز فاقد الگوی مناسب توسعه متناسب با نظام ارزشی جامعه است. این در حالی است که حتی خود نظریه‌پردازان غربی توسعه بر این باورند که جوامع جهان سوم برای دستیابی به توسعه باید نظریات توسعه را متناسب با نظام فرهنگی و ارزشی خود پالایش کنند و آن بخش از اصول و راهبردهای تئوری‌های توسعه را که با شرایط خاص جامعه سازگاری دارند را به کار بندند و در صورت توانایی لازم، با بهره‌گیری از دانش و تجربیات صاحب‌نظران داخلی، الگوی بومی توسعه را طراحی و اجراء نمایند. امام خمینی (ره) به عنوان معمار انقلاب اسلامی راجع به مدیریت توسعه در ایران دیدگاه‌های نظری و عملی ارزشمندی داشته‌اند که می‌تواند چارچوب ارزشی الگوی توسعه در ایران را تشکیل دهد، اما متأسفانه ابعاد نظرات ایشان در زمینه مدیریت توسعه، مدون و به صورت تحلیل متناسب با شرایط روز جامعه وجود ندارد که لازم است در این زمینه تلاش‌های لازم انجام شود.

مروری بر ادبیات پژوهش

از نظر واژه‌شناسی کلمه Develop (به معنی تدریجاً کامل شدن) در مقابل Envelope (به معنی پوشش و لفافه) مطرح می‌شود و صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از آن به عمل آورده‌اند که برخی از این تعاریف عبارتند از:

۱. «توسعه»^۱ فرآیند رشد، وسعت دادن یا تحقق استعدادها و ظرفیت‌هاست که منابع یک منطقه یا یک کشور به صورت کاملاً مولد مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۶].
 ۲. توسعه عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مورد نیاز برای هدایت جامعه در جهت ایجاد شرایط مطلوب زندگی بر اساس نظام ارزشی موجود و مورد پذیرش جامعه [۱۰].
 ۳. توسعه مستلزم دگرگونی اجتماعی، فرهنگی و نیز رشد اقتصادی است. به عبارت دیگر، تغییرات کیفی باید با تغییرات کمی همراه باشد. با این تعبیر، توسعه به مفهوم «دگرگونی + رشد» است [۲].
 ۴. تعریف دپارتمان برنامه توسعه ملل متحد (U.N.D.P):^۲ بزرگ‌ترین تشکیلات بین‌المللی در امر توسعه ملل، توسعه را عنوان «توسعه انسانی» می‌نامد و آن را چنین تعریف می‌کند: «توسعه انسانی فرآیندی است که شقوق انتخابی پیش روی مردم را وسیع‌تر می‌کند.» انتخاب‌های مورد نظر عبارتند از:
 - الف. مؤلفه‌هایی که قابل اندازه‌گیری‌اند: مانند طول عمر همراه با سلامتی، برخورداری از آموزش و پرورش و غیره.
 - ب. مؤلفه‌هایی که غیر قابل اندازه‌گیری‌اند: مانند آزادی سیاسی، حقوق انسانی، رضایت و قناعت فردی [۵].
 ۵. توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها را نیز در برمی‌گیرد [۳].
- با توجه به تعاریف فوق می‌توان، تعریف جامعی از توسعه ارائه نمود:
- توسعه فرآیندی سیستمی، تکاملی و چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در نیروی انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تکنولوژیکی و... متناسب با نظام ارزشی جامعه به منظور ارتقاء زندگی بشری از جنبه مادی و معنوی است.
- به عبارت دیگر، تحول در ابعاد کمی و کیفی جامعه در جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی افراد، متناسب با نظام ارزشی جامعه را توسعه گویند. ایده و مفهوم مدیریت توسعه

1- Development

2- United Nation Development Plan

بعد از جنگ جهانی دوم به وسیله صاحب‌نظران برای کشورهای جهان سوم رهیده از استعمار بر سر زبان‌ها افتاد و بروکراسی دولتی نیز عامل طبیعی تغییر طرح‌ریزی شده است [۱۴]. از آنجا که توسعه به‌عنوان هدف اساسی در کشورها مورد توجه قرار گرفته است؛ از جهات مختلف، به‌عنوان یک رشته فرعی در مدیریت دولتی، رشته‌ای بنام مدیریت توسعه بعد از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به وجود آمد. به دو دلیل عمده مباحث توسعه و اداره امور مربوط به آن، به‌عنوان زیر مجموعه مدیریت دولتی در آمد:

الف. تجارب ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری روزولت و شوروی در دوران ریاست جمهوری استالین بیانگر این نظر است که توسعه باید توسط دولت انجام پذیرد که نهاد دلسوز و ماشین اصلی توسعه محسوب می‌شود.

ب. از آنجایی که توسعه مفهومی فراگیر و چند بعدی است و از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطرح است؛ بنابراین، به‌جز دولت، هیچ نهاد دیگری توانمندی اداره امور توسعه را نخواهد داشت. دیوانسالاری دولتی، اگر به علم و تکنولوژی نوین مجهز شود و اعضاء آن با مهارت‌ها و دانش‌های مناسب تجهیز شوند، می‌تواند به‌عنوان ابزار اساسی توسعه درآید [۸].

مدیریت توسعه موضوع مهمی است که مطالعات مربوط به مدیریت دولتی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و آینده رشته مدیریت دولتی بر مبنای آن پی‌ریزی شده است [۱۳]. در مجموع، اندیشمندان مختلف از جمله گانت (۱۹۷۹)، پاناندیکر (۱۹۷۴)، روندینلی (۱۹۸۷)، سینگ (۱۹۶۹) و وایدنر (۱۹۶۲) در اقتصادهای نوظهور توجه ویژه‌ای به مدیریت دولتی به‌عنوان ابزار توسعه می‌ذول داشته‌اند [۱۷].

بر همین اساس است که برخی از صاحب‌نظران مدیریت توسعه، تحول اداری یا نوین‌سازی مدیریت دولتی را شرط اولیه برای تنظیم و اجرای برنامه‌های جامع توسعه به‌شمار می‌آورند [۱۵]. مدیریت توسعه ابزاری ضروری برای دستیابی به اهداف جامعه مطلوب که بدون در نظر گرفتن آن نمی‌توان قدم برداشت [۱۸].

یکی از مهم‌ترین موانع در کشورهای جهان سوم، تفکرات نادرست پیرامون توسعه است. اولین تفکر نادرست آن است که کشورهای جهان سوم فکر می‌کنند اگر از نظر اقتصادی توسعه یابند و رشد اقتصادی در تولید ناخالص ملی به‌وجود آید، به توسعه دست یافته‌اند. در حالی که این یک تفکر گمراه‌کننده است؛ به‌طوری‌که این تفکر از دهه ۷۰

مشکلاتی را برای کشورهای توسعه یافته کنونی نیز به وجود آورد. ولی از این دوره به بعد بود که توسعه فراگیر و همه جانبه مطرح شد و الزاماً رشد اقتصادی، فراهم کننده توسعه تلقی نشده است. متأسفانه در کشورهای جهان سوم هنوز چنین دیدگاهی وجود ندارد؛ زیرا در این کشورها این طور فرض می‌شود که اگر کشوری از نظر اقتصادی توسعه یافت، توسعه این کشور تضمین خواهد شد. برای رفع چنین تفکری باید کوشید تا نظریه و پارادایم جدید مدیریت توسعه را مبنی بر توسعه فراگیر در جامعه اشاعه نمود.

محدودیت دیگری که در زمینه تفکر خودی وجود دارد، دیدگاه جهانشمول بودن نظریات توسعه است. برخی از تئوریسین‌های توسعه در کشورهای جهان سوم این طور فکر می‌کنند که اگر فلان تئوری در کشور مشخص جواب مثبت داده است، بنابراین می‌توان برای کشور ما نیز الگوی مناسبی باشد و اگر چنین محدودیت‌هایی داشته، همان موانع نیز بر سر اجرای آن در کشور ما وجود خواهد داشت. در حالی که می‌دانیم تئوری‌های مدیریت به طور عام و تئوری‌های مدیریت توسعه به طور خاص قابلیت تعمیم ندارند و به علت شرایط انسانی، فیزیکی و به ویژه نظام ارزشی هر کشور تئوریهای توسعه باید متناسب با ویژگی‌های آن کشور بازسازی شوند [۱۱].

روش‌شناسی پژوهش

اهداف پژوهش: پژوهش‌های علمی حول محور اهداف ویژه‌ای سازماندهی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در پایان پژوهش، به آن اهداف فرعی جامه‌ی عمل پوشیده شود. در این پژوهش نیز هدف اولیه و اساسی تدوین الگوی توسعه بر مبنای نظام ارزشی جامعه اسلامی ایران است؛ به طوری که این مفروضات ارزشی مطابق دیدگاه‌های حضرت امام (ره) استخراج و در قالب الگویی جامع ارایه شود. در مجموع می‌توان اهداف این پژوهش را در قالب موارد ذیل بیان نمود:

هدف اساسی: طراحی و تبیین الگوی مدیریت توسعه در ایران مطابق با مفروضات ارزشی مورد نظر حضرت امام خمینی (ره).

اهداف فرعی: اهداف فرعی این پژوهش عبارتند از:

- الف. احصاء ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت توسعه بر اساس نظرات حضرت امام (ره).
- ب. شناسایی و ارایه مبانی اساسی نهفته در مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و مدیریت توسعه از دیدگاه حضرت امام (ره).

ج. ارایه الگوی جامع مدیریت توسعه از دیدگاه امام(ره).

سؤال‌های اساسی پژوهش: در این پژوهش، نیازهای پژوهشی در قالب سؤال‌های

پژوهش ارایه می‌شود که مهم‌ترین این سؤال‌ها عبارتند از:

۱. تعریف توسعه از دیدگاه امام(ره) چیست؟
۲. ابعاد توسعه از نظر حضرت امام(ره) چه هستند؟
۳. ارتباط دین و توسعه از نظر امام(ره) چیست؟
۴. نگرش توسعه از دیدگاه امام(ره) کدامیک از عوامل (بیرونی یا درونی) را مورد توجه قرار می‌دهد؟

۵. مفروضات توسعه از دیدگاه امام(ره) کدامند؟

۶. ارتباط توسعه مدیریت و مدیریت توسعه از دیدگاه امام(ره) چگونه است؟

۷. تقدم و تأخر کارکردهای مختلف از دیدگاه امام(ره) چگونه است؟

۸. اصول برنامه‌ریزی توسعه از دیدگاه امام(ره) کدامند؟

۹. استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه امام(ره) کدامند؟

۱۰. استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام(ره) کدامند؟

۱۱. معیارهای توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی از نظر حضرت امام(ره) کدامند؟

۱۲. راه‌های دستیابی به معیارهای توسعه از نظر حضرت امام(ره) چه هستند؟

۱۳. فرهنگ توسعه متناسب با نظام ارزشی از دیدگاه حضرت امام(ره) چه هست؟

۱۴. برای تقویت پایه‌های فرهنگی جامعه در راستای اهداف متعالی توسعه چه مکانیزم‌هایی

از دیدگاه امام(ره) مورد نیاز است؟

به‌طور کلی سؤال‌های اساسی این پژوهش حول محور ابعاد مختلف توسعه است که در

این پژوهش تلاش خواهد شد تا هر یک از ابعاد مدیریت توسعه متناسب با ابعاد علمی

توسعه از دیدگاه امام(ره) استخراج و مورد تحلیل قرار گیرد و در نهایت پاسخ‌های مورد

نظر نیز به روش علمی در قالب مدلی جامع استخراج شود.

روش پژوهش: روش توصیفی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تکنیک

تجزیه و تحلیل محتوا اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود و با استفاده

از روش تطبیقی دیدگاه صاحب‌نظران و تئوری‌پردازان توسعه با دیدگاه‌های امام(ره) مورد

مقایسه قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، تحلیل محتوا روشی است که به منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادر کننده پیام، علل صدور پیام و آثار پیام برای تجزیه و تحلیل عینی و منتظم پیام‌های مختلف که از طرق گوناگون مبادله می‌شود، به کار می‌رود [۱۲]. برای تحلیل علمی بیانات امام(ره) که در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام(ره) تدوین شده است، روش تحلیل محتوا، به عنوان کارآمدترین روش، پژوهشگر را در استخراج مطالب و متغیرهای مورد نظر، متناسب با مدل مفهومی پژوهش، یاری خواهد نمود.

بررسی رهنمودها، گفتار و سیره عملی حضرت امام(ره) از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است که در پژوهش حاضر، بررسی دیدگاه‌های ایشان از جنبه مدیریت توسعه مورد توجه است. برای انجام این پژوهش، مجموعه ۲۲ جلد صحیفه امام(ره) به عنوان منبع اصلی مبنای مطالعه مورد نظر است که البته علاوه بر آن از سایر منابع مرتبط نیز استفاده لازم به عمل آمده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارایه الگو

با عنایت به اهمیت توسعه در تمامی جوامع، محورها و راه‌های دستیابی به آن در ادبیات علمی مدیریت توسعه مورد شناسایی قرار گرفت و در نهایت مدل مفهومی متشکل از مؤلفه‌ها و عناصر توسعه همه جانبه ارایه شد. سپس داده‌های مورد نیاز هر یک از متغیرها و مفاهیم مدیریت توسعه از بیانات حضرت امام(ره) که در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام(ره) تدوین شده، گردآوری که در نهایت با برقراری ارتباط بین محورها، مفاهیم و متغیرهای مدیریت توسعه، الگویی جامع در خصوص مدیریت توسعه از دیدگاه امام(ره) طراحی شده که در این بخش به تشریح و تبیین این الگو می‌پردازیم.

امام خمینی(ره) برای بیان مفهوم توسعه از واژه‌هایی همچون: رفاه عمومی، سازندگی، بازسازی، نوسازی، سعادت معنوی، ترقی، پیشرفت، رفاه، آسایش، تمدن و مدرنیزه استفاده می‌کنند. [۷] (ج ۴ و ۵) هر چند که همه این واژه‌ها دارای مفهوم توسعه هستند، ولی در دیدگاه امام(ره) دارای اهمیت یکسان نیستند. امام(ره) واژه توسعه معنوی و سعادت معنوی را از دیگر واژه‌ها متمایز می‌نمایند و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل هستند، به گونه‌ای که آن‌را هدف نهایی و رسالت اساسی جامعه می‌دانند و سایر واژه‌ها و مفاهیم را به عنوان هدف ابزاری جامعه مورد توجه قرار می‌دهند که باید در خدمت سعادت معنوی افراد جامعه باشند [۷].

امام (ره) توسعه را فرآیندی تکاملی و همه جانبه (مادی و معنوی)، به منظور اصلاح و نوسازی جامعه متناسب با نظام ارزشی اسلامی برای تحقق سعادت معنوی افراد انسانی می‌داند، و هر دو جنبه (معنوی و جسمانی) انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد [۷]. ج (۲۱، ۱۸، ۹، ۸، ۷).

امام (ره) به تبیین ارتباط دین با توسعه می‌پردازد و ضمن تأکید بر جامعیت اسلام برای هدایت برنامه‌های توسعه جامعه از جنبه مادی و معنوی، اهمیت قوانین اسلامی را برای هدایت جهات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد اشاره قرار می‌دهد و با ذکر مصادیق مختلفی، به مقابله با کسانی بر می‌خیزد که اسلام را مخالف توسعه و تمدن قلمداد می‌کنند. ایشان معتقدند، اسلام نه تنها با توسعه مخالفتی ندارد، بلکه از این جهت، تمدن اسلامی مقدم بر سایر تمدن‌هاست و همواره رفاه عمومی در جامعه برای تحقق سعادت معنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است [۷].

نگرش امام (ره) به توسعه

در مورد اینکه در فرآیند توسعه چه دیدگاهی باید حاکم باشد، نظرات مختلف است. به طور کلی دو دیدگاه برجسته را پیرامون توسعه کشورها می‌توان بیان کرد.

الف. توسعه برونزا^۳: این دیدگاه از اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی ادامه یافت. در این دوره به طور عمده توسعه مترادف با رشد فرض می‌شد و علاوه بر آن، توسعه نیافتگی را ناشی از مناسبات خارجی با کشورهای توسعه یافته می‌دانستند و معتقد بودند که اگر کشورهای جهان سوم می‌خواهند توسعه یابند، باید با الگو قرار دادن کشورهای غربی و فرهنگ آن‌ها، راه توسعه را بیمایند. نمونه‌های این نوع تفکر را می‌توان در «برنامه‌های مارشال» و «اصل چهار ترومن» دید.

ب. توسعه درونزا^۴: نظریه توسعه از درون از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد شکل گرفت. در این دیدگاه مفهوم رشد و توسعه مترادف یکدیگر نیستند. این دیدگاه، توسعه نیافتگی را عمدتاً ناشی از عدم انعطاف‌پذیری ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و همچنین آن‌را ناشی از تحت سلطه قرار گرفتن کشورهای توسعه یافته می‌داند. با این حال در این دیدگاه، عوامل درونی و بیرونی هر دو با هم به عنوان موانع عدم توسعه کشورهای تلقی

3- out-ward Oriented Development

4- in-ward Oriented Development

می‌شود. بدین ترتیب در این دیدگاه کشورهای توسعه نیافته باید ساختارهای درونی خود را به گونه‌ای تغییر دهند که بتوانند پاسخگوی نیازهای توسعه باشند. البته برقراری روابط مثبت بین کشورهای شمال- جنوب می‌تواند توسعه کشورهای جنوب را تسریع بخشد [۱].

با توجه به طرح نگرش از درون و بیرون به توسعه، امام (ره) علل و عوامل عقب ماندگی کشور را هم ناشی از عوامل درونی و هم ناشی از عوامل بیرونی می‌دانند. ایشان ضمن اشاره به روابط استعماری کشورهای توسعه یافته با کشورمان، استراتژی آن‌ها در برقراری رابطه با ایران را، وابسته نگه داشتن و استمرار عقب ماندگی کشور می‌دانند؛ به گونه‌ای که در سایه چنین شرایطی، منابع طبیعی را چپاول نمایند [۷]. امام (ره)، بارها نقش استعمارگران را در عقب‌ماندگی ایران مورد اشاره قرار داده‌اند، ولی با این حال در دیدگاه امام (ره) کشورهای خارجی دارای برخی امکانات و توانمندی‌هایی هستند، که می‌تواند از این امکانات بهره‌مند شد [۷]. هرچند که باید این نکته را مد نظر قرار داد که در برقراری ارتباطات، آزادی و استقلال کشور دچار خدشه نگردد و اصل احترام متقابل بر آن حاکم باشد [۷]. امام (ره) علل و عوامل توسعه نیافتگی ایران را تنها در عوامل خارجی جستجو نمی‌کند، بلکه اهمیت عوامل داخلی به زعم امام (ره)، به حدی است که حتی اگر چنانچه عوامل خارجی موانعی را برای توسعه فراهم نمایند، نقائص درونی و قصور و کوتاهی عوامل درونی، زمینه چنین امری را فراهم نموده است. بنابراین در دیدگاه ایشان، اصلاح موانع درونی، اصلاح موانع بیرونی را نیز به دنبال خواهد داشت [۷] (ج ۸، ۹، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱). نگرش امام (ره) به توسعه را می‌توان با نگرش اقتصاددانان توسعه مورد مقایسه قرارداد، به گونه‌ای که در دیدگاه ایشان، اقتصاد واحد مردود است [۷] (ج ۱۸، ص ۲۱۹)، ولی منافع متقابل شمال- جنوب در صورت تحقق اصل احترام متقابل قابل تصور است [۷] (ج ۱۸). به‌طور کلی می‌توان گفت، که امام (ره) در نگرش خود به توسعه، موارد ذیل را مورد توجه قرار می‌دهند.

الف. رشد (پیشرفت مادی) تنها بخشی از فرآیند توسعه (پیشرفت معنوی) و به‌عنوان ابزار آن محسوب می‌شود.

ب. علل توسعه نیافتگی جوامع حاصل نابسامانی درونی جامعه و سیاست‌های استعماری قدرتمندان است.

ج. برقراری روابط سازنده و متعادل کشورهای جنوب-شمال، می‌تواند در فرآیند توسعه جوامع عقب مانده مؤثر باشد، مشروط بر آنکه استقلال و آزادی، احترام متقابل و معامله عادلانه رعایت شود.

توسعه چند خطی مبتنی بر فرهنگ جامعه

مفروضات نظریه توسعه امام
خمینی (ره)

تغییرات اساسی اولیه و تکامل تدریجی ثانویه

اهمیت توأمان عوامل بیرونی و درونی در توسعه

نمودار ۱: مفروضات توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)

۱. امام (ره) معتقد به تکامل جامعه هستند، در عین حال که این تکامل باید با دگرگونی اساسی در جامعه پس از سرنگونی رژیم طاغوتی سلطنتی همراه باشد [۷] (ج ۸ و ۹).
۲. امام (ره) توسعه تک خطی را رد می‌کند ولی در عین حال، بهره‌گیری از الگوهای توسعه دیگران را مشروط بر اینکه با فرهنگ و ارزش‌های جامعه اسلامی ایران منافات نداشته باشد، توصیه می‌نمایند [۷].
۳. امام (ره) هم معتقد به عوامل بیرونی و هم معتقد به عوامل درونی توسعه هستند. ایشان دستیابی به توسعه کشورمان را بدون رهایی از وابستگی به کشورهای بیگانه غیرممکن می‌دانند ولی آنرا شرط کافی تلقی نمی‌کنند، بلکه اراده مردم برای توسعه یافتگی را به آن می‌افزایند. [۷].

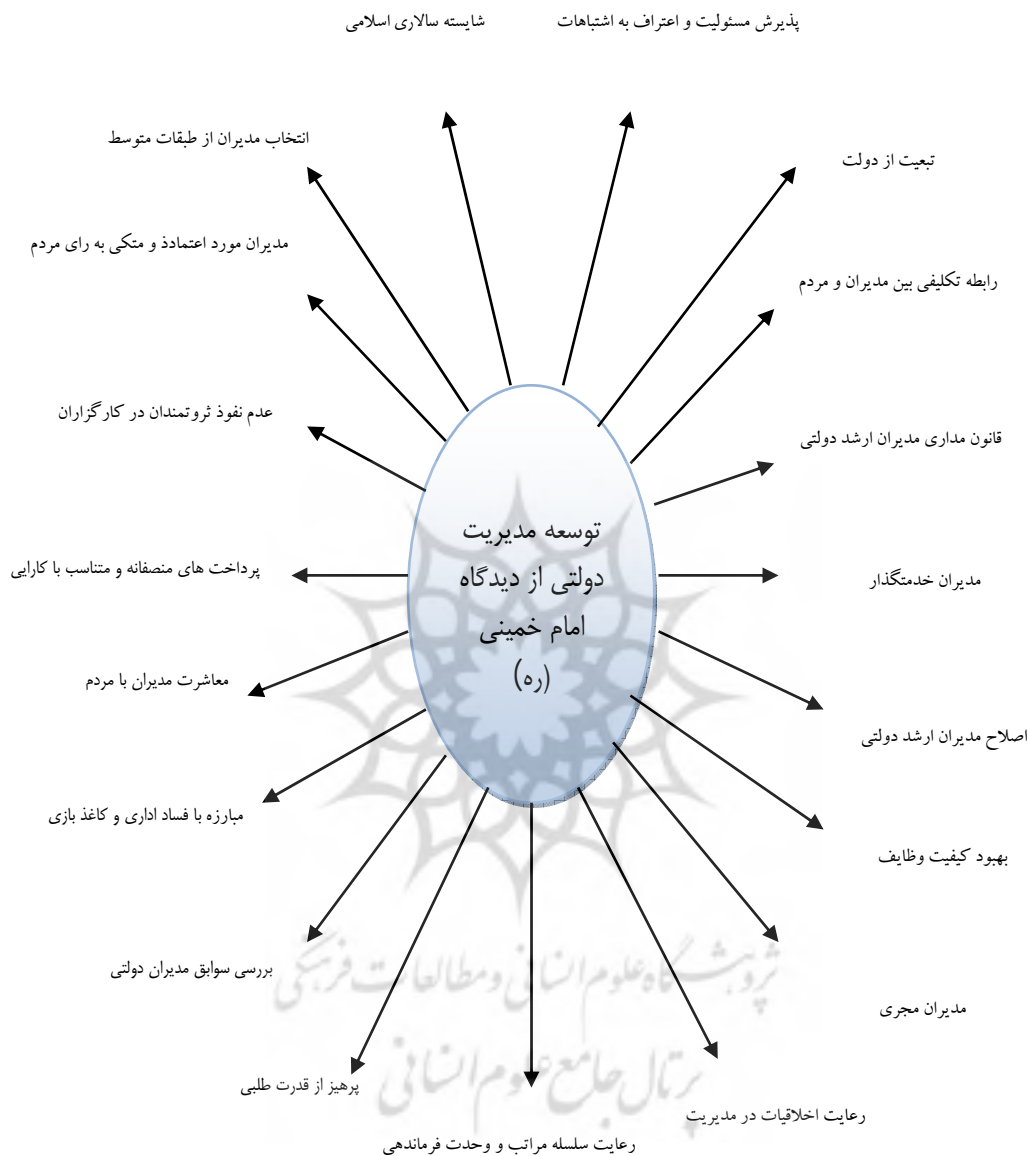
توسعه مدیریت و مدیریت توسعه از دیدگاه امام (ره)

از دیدگاه نظریه پردازان، مدیریت دولتی برای انجام فرآیند توسعه الزاما مطلوب نیست. بلکه نقش اثر بخش و کارایی مدیریت دولتی مد نظر است؛ به گونه‌ای که ضمن احترام به

مالکیت خصوصی و تقویت انگیزه های فردی، حضور مدیریت دولتی جهت ارشاد و راهبری برنامه های توسعه، نکته مهم تری است [۹].

امام(ره) ایجاد زندگی مرفه مادی و زمینه سازی برای سعادت معنوی را در زمره وظایف دولت می داند و محوریت برنامه های توسعه در کشور را از تکالیف اصلی دولت تلقی می کنند [۷] (ج ۹). با توجه به وظیفه حیاتی دولت و مدیریت دولتی در توسعه، امام(ره) لزوم اصلاح مدیریت دولتی را برای تحقق چنین وظیفه مهم را یادآور می شوند. ایشان با اشاره به برخی ناکارآمدی های مدیریت دولتی، اصلاح در نحوه اداره امور دولتی را شرط استقلال و اصلاح جامعه می دانند [۷] (ج ۲۱). امام(ره) معتقدند که سیاست های کلی دولت باید حول کاهش تصدی گری، افزایش مشارکت مردمی، [۷] خصوصی سازی، [۷] (ج ۱۹)، دولت به عنوان ناظر [۷] و دولت پاسخگو باشد. برای توسعه و بهبود مدیریت دولتی در جهت مدیریت توسعه، امام(ره) صلاحیت هیئت حاکمه (مدیران دولتی) برای هدایت توسعه کشور را مورد توجه قرار می دهند [۷] (ج ۵) و معتقدند که دولت برای ایفای نقش فعالانه خود در فرآیند توسعه، باید به شناسایی وظایفی بپردازد که مردم و بخش خصوصی از عهده انجام آنها برمی آید و ضمن دعوت از بازار، بخش خصوصی و تشکل های مردمی، زمینه را برای مشارکت فعالانه آنها فراهم سازد. امام(ره) فلسفه چنین جهت گیری را بهبود روابط دولت با مردم و ایجاد محبت بین آنها می داند. هر چند که امام(ره) کاهش حجم مالکیت دولت را به عنوان دولت ناظر، به عنوان مکمل چنین سیاستی، برجسته می سازند، ولی از دولت می خواهند که به دقت عملکرد بخش خصوصی و بازار را زیر نظر بگیرد تا مصالح جامعه نادیده گرفته نشود. امام(ره) به کاهش تصدی گری دولت، خصوصی سازی و نقش نظارتی دولت بسنده نمی کند و مدیریت دولتی را ملزم به پاسخ گویی می نماید؛ به گونه ای که معتقدند، دولت، دستگاه های دولتی و مسئولان باید بیلان کاری عملکرد خود را به طور شفاف و از طریق رسانه های گروهی به مردم ارائه نمایند و حتی عملکرد خود را در معرض نقد قرار دهند و پاسخگوی منتقدان باشند.

امام(ره) توسعه مدیریت دولتی را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می دهند که این ابعاد در قالب بیست مورد و به صورت مرتبط با یکدیگر، بررسی شده است.



نمودار ۲. ابعاد مختلف توسعه مدیریت دولتی از دیدگاه امام خمینی (ره)

برنامه‌ریزی تقدم و تأخر ابعاد توسعه از دیدگاه امام(ره)

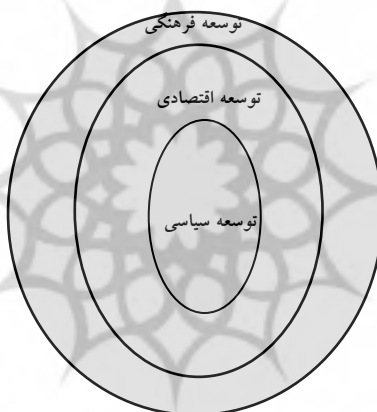
وضعیت موجود جهان در زمینه توسعه نشان می‌دهد که توجه بیش از حد به جنبه اقتصادی توسعه و در حاشیه قرار دادن توسعه اجتماعی و فرهنگی، سبب برهم خوردن تعادل زیستی و در نتیجه مواجه شدن کشورها با بن‌بست جدی شده است. اصولاً جریان پیشرفت اقتصادی در حوزه فرهنگی منعکس می‌شود و فعالیت فرهنگی، انگیزه زندگی اقتصادی است [۵].

در نیم قرن گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تأکید عمده بر رشد اقتصادی بوده و به کیفیت توسعه و جنبه‌های رفاه اجتماعی آن توجه کمتری شده است. این امر نه تنها از نظر درآمد و ثروت بین اقشار جامعه، بلکه در ابعاد مختلف زندگی به خصوص در بین مناطق شهری و روستایی موجب تشدید نابرابری‌ها شده است. نگرش محققانه به وضعیت کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد، در این کشورها هدف‌های انسانی و اجتماعی توسعه کمتر تحقق یافته است و باوجود رشد بالای اقتصادی، افرادی که به گونه‌ای در این رشد سهم بوده‌اند، از مواهب توسعه بهره چندانی نبرده‌اند. این امر بیانگر این است که چنین رشدی قرین رفاه اجتماعی نبوده و خوشبختی و بهزیستی انسانی را تضمین نکرده است [۵]. تجربه دهه ۱۹۶۰ میلادی که توسط سازمان ملل متحد به توسعه اختصاص داده شده بود، نشان داد که باوجود افزایش درآمد ناخالص ملی سرانه، احتیاجات اساسی مردم جوامع برطرف نشده است [۶].

امام(ره) شرط دستیابی به اهداف توسعه و تأمین نیازهای جامعه را برنامه‌ریزی می‌دانند [۷] (ج ۲۱) و معتقدند که برنامه‌ریزی توسعه باید دارای جامعیت بوده [۷] (ج ۱۷)،

ص ۱۲۱) اولویت‌گذاری شده [۷] (ج ۵ و ۲۱) و مستمر باشد [۷] (ج ۱۵) و همچنین رعایت ارزش‌های اسلامی جامعه در آن شده باشد (ج ۲۱).

امام خمینی (ره) بر خلاف صاحب‌نظران توسعه، معتقد است که توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی نمی‌توانند، زیربنای توسعه باشند. بلکه توسعه فرهنگی محوریت توسعه را دارد و سایر ابعاد توسعه حول این محور حرکت می‌کنند [۷] (ج ۱، ۷، ۱۲) امام (ره) در عین حال، توسعه اقتصادی را نیز بر توسعه سیاسی مقدم می‌داند [۷] (ج ۱۱)؛ به گونه‌ای که می‌توان بر اساس دیدگاه امام (ره) الگوی ذیل را ارایه نمود:

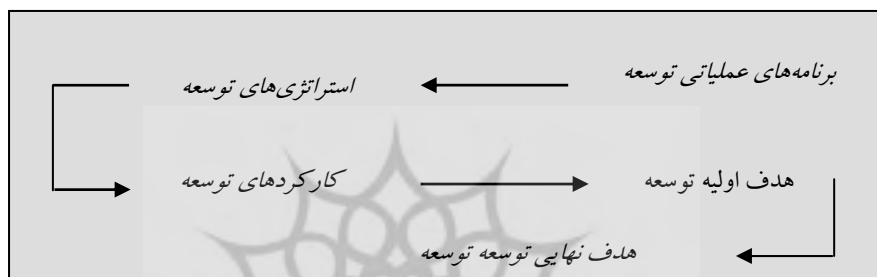


نمودار ۳. ارتباط بین ابعاد مختلف توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره)

هر چند که الگوی فوق را می‌توان از مجموع فرمایشات امام (ره) استنباط نمود، ولی ارتباط ابعاد مختلف توسعه در دیدگاه ایشان، بسیار تنگاتنگ و نزدیک است؛ به گونه‌ای که در بعضی مواقع، حتی جنبه‌های توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی نیز می‌تواند اهمیت زیادی پیدا کنند و سرنوشت توسعه فرهنگی نیز به آن‌ها وابسته باشد.

الگوی مدیریت توسعه بر اساس دیدگاه امام خمینی(ره)

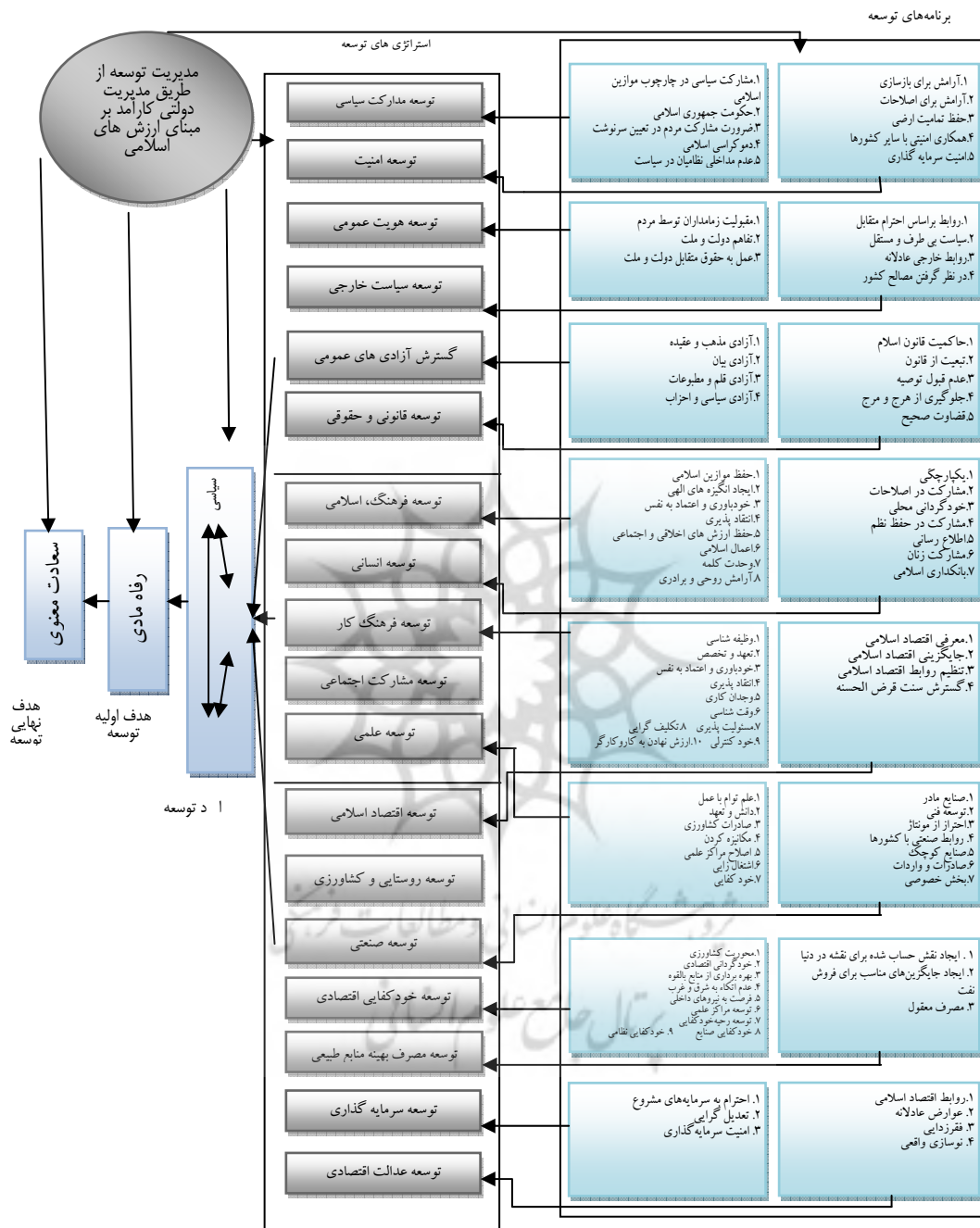
با توجه به مفاهیم اولیه، نگرش‌ها و مفروضات امام (ره) راجع به توسعه جامعه و سایر مباحثی که بررسی و تحلیل شده، الگویی جامع برای توسعه جامعه مبتنی بر دیدگاه‌های امام(ره) طراحی شده است. در این الگو، اجزاء و عناصر مختلفی بر اساس نگرش سیستمی در قالب روابط منطقی وجود دارد که هر یک از این اجزاء، به‌طور خلاصه تعریف می‌شود:



نمودار ۴. ارتباط بین اجزای الگوی مدیریت توسعه بر اساس دیدگاه امام خمینی(ره)

نگرش حاکم بر این الگو، سازماندهی عناصر از کل به جزء بوده است. به گونه‌ای که هدف نهایی جامعه از دیدگاه امام(ره) که همانا توسعه و سعادت معنوی است، از طریق ایجاد رفاه عمومی برای جامعه که جنبه‌های جسمانی و معنوی افراد را در بر می‌گیرد، میسر خواهد بود. برای تحقق رفاه عمومی، سه محور کلی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، با محوریت اصلی کارکرد فرهنگی مورد توجه قرار گرفته که برای نیل به این کارکردها مورد نیاز است. برای عملیاتی و اجرایی کردن استراتژی‌های توسعه نیز برنامه‌های عملیاتی برگرفته از فرمایشات امام(ره) تدوین شده که باید در سطح جامعه به اجرا در آید.

الگوی مدیریت توسعه بر اساس دیدگاه امام خمینی (DABIV)^۵ در قالب نمودار ۵ ترسیم شده است.



نمودار ۵. الگوی مدیریت توسعه بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) (DABIV)

از آنجا که امام(ره) اصلاح مدیریت دولتی را مقدمه‌ای بر مدیریت توسعه می‌دانند [۷] (ج ۵) و در این راستا، ویژگی‌هایی را برای مدیریت توسعه یافته، در نظر می‌گیرند، این مبحث مهم در بخش فوقانی مدل مورد توجه قرار گرفته است. این مدیریت توسعه یافته، باید ارزش‌های اسلامی را مبنای اداره امور مربوط به توسعه کشور قرار دهد و آن‌را در تمامی مراحل مختلف توسعه، چه در هدفگذاری و چه در تدوین استراتژی‌ها و اجرای برنامه‌های عملیاتی، به صورت نهادینه شده به کار گیرد.

کارکردهای توسعه

از مجموع فرمایشات امام(ره) می‌توان اینگونه استنباط نمود که ایشان، سه بعد مهم را در توسعه مورد توجه قرار می‌دهند:

الف. کارکردهای فرهنگی

ب. کارکردهای اقتصادی

ج. کارکردهای سیاسی

با تحلیل محتوایی که از مجموعه فرمایشات امام(ره) در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام به عمل آمده است، می‌توان استراتژی‌های مختلفی را برای تحقق این کارکردها مورد شناسایی قرار داد. با توجه به پژوهش حاضر و محدودیت‌های حاکم بر آن، پژوهشگر موفق شد، هیجده استراتژی را، به تفکیک کارکردهای مختلف توسعه، شناسایی و طبقه‌بندی نماید. امام(ره) همچنین برای نیل به این استراتژی‌ها، رهنمودهایی ارائه نموده‌اند، که در مدل طراحی شده، تحت عنوان برنامه‌های توسعه معرفی شده‌اند. مجموع این برنامه‌ها برای هیجده استراتژی تعیین شده، ۱۰۳ برنامه است، که به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. مدیریت توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی به‌عنوان جزء لاینفک توسعه عمومی است و سیاست فرهنگی عامل اساسی در حوزه اجتماعی و اقتصادی هر ملتی است. مسأله مهم اساسی این است که چگونه می‌توان سنت را حفظ کرد و به سوی پیشرفت همه جانبه گام برداشت و در عین حال جامعه‌ای بنا نهاد که با ارزش‌ها و میراث‌های فرهنگی همساز باشد [۵].

بحران توسعه نیافتگی که سالیان چندی است کشورهای جهان سوم را درگیر کرده و بیش از دو سوم کشورهای جهان با آن دست به گریبانند، بر دیدگاه آن دسته از نظریه‌پردازان

که مدرنیسم و حذف فرهنگ سنتی را ملاک اصلی توسعه می‌دانستند، تأثیر بسزایی باقی گذاشته است. به اعتقاد آن‌ها فرهنگ بومی و سنتی به‌طور اساسی مانع توسعه است و فرهنگی که نتواند خود را با هنجارها و ملاک‌های حاکم بر این نگرش توسعه (یعنی آنچه به مدرنیست‌ها تعبیر می‌شود) سازگار نماید، باید کنار گذاشته شود. بر این اساس موضوع توسعه در عمل و در صورت تحقق، فاقد یک زیربنای اجتماعی، فرهنگی ملی و بومی است و نوعی از تمدن را جانشین فرهنگ و تمدن دیگر می‌کند. این در حالی است که تجربه کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن نشان می‌دهد که سنت‌های فکری و فرهنگی ملی نقش بسیار با اهمیت و برانگیزاننده‌ای در توسعه و تجدید حیات آن‌ها ایفا کرده است [۴].

امام (ره) فرهنگ را مهم‌ترین عنصر توسعه قلمداد نموده [۷] (ج ۷، ۱۷) و اصولاً موجودیت و هویت هر جامعه‌ای را منبعث از فرهنگ آن جامعه می‌داند [۷] (ج ۱۵). در این دیدگاه، فرهنگ، به‌عنوان محور توسعه [۷] (ج ۳، ۱۰)، نقش تعیین‌کننده‌ای در رهایی از وابستگی و پیشرفت اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... دارد [۷] (ج ۴) نقش‌های فرهنگ در فرآیند توسعه از نظر امام (ره)، در قالب نقش ملت‌سازی [۷] (ج ۱۷، ۷)، نقش محوری [۷] (ج ۳، ۱۰) نقش استعمارزدایی، نقش اصلاح‌گری و نقش هویتی تشریح و تبیین شده است. امام (ره) برای تحقق دگرگونی و تحول فرهنگی (فرهنگ استعماری به فرهنگ مستقل)، استراتژی‌های مختلف را در بیانات خود مورد توجه قرار می‌دهند، که این راهبردها در قالب مدلی، ارایه شده است. این استراتژی‌ها عبارتند از:

۱. استراتژی توسعه فرهنگ اسلامی و استقلال فرهنگی
 ۲. استراتژی توسعه انسانی
 ۳. استراتژی توسعه فرهنگ کار.
 ۴. استراتژی توسعه مشارکت اجتماعی
 ۵. استراتژی توسعه علمی
- در استراتژی توسعه فرهنگ اسلامی و استقلال فرهنگی، امام الگوی بومی و متناسب با ارزش‌های اسلامی را مهم‌ترین الگوی معرفی می‌کنند [۷] (ج ۱۲، ۸، ۱۱) و تمامی کشورها را دعوت می‌نمایند تا اصول و خط‌مشی‌های فرهنگی اسلامی را، به‌عنوان فرهنگ مرفعی و توسعه یافته، مورد استفاده قرار دهند [۷] (ج ۱۲) برای تحقق این استراتژی، برنامه‌های مختلفی همچون: عرضه مناسب اسلام [۷] (ج ۸) ایجاد انگیزه‌های الهی، حفظ موازین

اسلامی، آرامش روحی و برادری، اسلام محوری، [۷] (ج ۸) حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی [۷] (ج ۲۱) اعمال اسلامی [۷] و وحدت کلمه به تفصیل بررسی شده‌اند. در استراتژی توسعه انسانی، امام توسعه مادی انسانی را به‌عنوان ابزار دستیابی به هدف مهم‌تر که همانا تعالی و تکامل انسان در جهت قرب به خداست، مدنظر قرار می‌دهند، و برای تحقق چنین هدف مهمی، اجرای برنامه‌های سازندگی روحی [۷]، خودسازی [۷] (ج ۵، ۱۰، ۱۲) استقلال فکری [۷] (ج ۹، ۱۰) صبر و پایداری و دوری از ارتجاع‌گرایی [۷] (ج ۱) مهم هستند.

توسعه فرهنگ کار، به‌عنوان یکی دیگر از استراتژی‌های توسعه فرهنگی از دیدگاه امام معرفی شده است. بر طبق فرمایشات امام، فرهنگ زیربناست و کارکردهای اقتصادی، سیاسی، و... از آن تبعیت می‌کنند. بنابراین، فرهنگ باید برای اداره امور مربوط به جامعه و کار و سازندگی دستورالعمل‌ها و معیارهای لازم را ارایه نماید، که از آن به‌عنوان فرهنگ کار یاد شده است. با توجه به بیانات امام، ده برنامه مهم برای توسعه فرهنگ کار معرفی شده است که عبارتند از: خود باوری و اعتماد به نفس، [۷] وظیفه‌شناسی، [۷] تعهد و تخصص، [۷] انتقادپذیری، [۷] وجدان کاری. [۷] وقت‌شناسی، [۷] مسئولیت‌پذیری، تکلیف‌گرایی، خودکنترلی، (ج ۱۴، ص ۱۷۳) ارزش‌گذاری برای کار و کارگر. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر اگر هر انسانی به شئون خود در فعالیت‌های فرهنگی جامعه سهمیم باشد؛ یعنی کارگزاران جامعه باید وسایل چنین مشارکتی را فراهم آورند. بنابراین بعد دیگری از توسعه فرهنگی، حق مشارکت در امور زندگی اجتماعی برای عموم تلقی می‌شود [۵].

در استراتژی توسعه مشارکت اجتماعی، امام به مشارکت مردم در امور اجتماعی و امور مربوط به خود، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است، که برای تحقق این امر، بیانات مختلفی ارایه نموده‌اند که در قالب هفت برنامه طبقه‌بندی شده است. این برنامه‌ها عبارتند از: یکپارچگی دولت و مردم [۷] مشارکت در اصلاحات اجتماعی، [۷] (ج ۵، ص ۱۵۵) خودگردانی محلی، [۷] مشارکت در حفظ نظم اطلاع‌رسانی به افکار عمومی، [۷] مشارکت زنان [۷] و مشارکت جوانان [۷].

مطالعات اخیر در موضوع توسعه، اهمیت انتقال فناوری از کشورهای توسعه یافته به فرآیند توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته را مورد توجه قرار داده‌اند؛ به‌طوری که مطالعه

پژوهشگران نشان می‌دهد، موفقیت ژاپنی‌ها در فرآیند توسعه عمیقاً تحت تأثیر نحوه عاریت گرفتن فناوری از کشورها بوده؛ به گونه‌ای که همگون‌سازی و انطباق با شرایط بومی همواره به‌عنوان یک اصل مدنظر قرار گرفته است [۱۹]. توسعه علمی، یکی دیگر از ایده‌های محوری در دهه گذشته این بوده است که توسعه موفقیت‌آمیز نه تنها نیازمند پرکردن شکاف در منابع بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است، بلکه بر طرف نمودن شکاف دانشی و فناوری بین آنها را الزام‌آور می‌سازد [۲۰]. توسعه علمی از دیگر استراتژی‌های توسعه فرهنگی است، که امام(ره) اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل است. به طوری که مهم‌ترین عامل خودکفایی و بازسازی را ارتقاء مراکز علمی و تحقیقاتی و ساماندهی مخترعان جامعه می‌دانند؛ به گونه‌ای که مخترعان داخلی، علوم خاص جامعه که با اخلاقیات جامعه آمیخته باشد را ایجاد نمایند و آنها را جایگزین برخی علوم بیگانه کنند، که اخلاقیات جامعه اسلامی را در نظر نمی‌گیرند [۷]. برنامه‌های توسعه علمی از دیدگاه امام(ره)، در قالب هشت مورد مدون شده، که عبارتند از: دانش و تعهد، [۷] نفی مدرک‌گرایی [۷] علم توأم با عمل [۷] یادگیری و علم آموزی مستمر [۷] به کارگیری دانشمندان [۷]، اصلاح مراکز علمی [۷]، تقدم تربیت بر تعلیم [۷] و تشویق متخصصان [۷]

ب. مدیریت توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی بیانگر تحولات ساختاری است؛ به گونه‌ای که تولید کالاها و خدمات به صورت انبوه افزایش یابد. توسعه اقتصادی هم در بردارنده تولید بیشتر است و هم بر مفهوم به وجود آمدن تحول در چگونگی تولید محصول و حتی بر تحول در چگونگی تولید و تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار در رشته‌های مختلف تولید دلالت دارد. بنابراین، در توسعه اقتصادی نه تنها تولید، بلکه عوامل جانبی آن مانند اشتغال، درآمد سرانه، رفاه کارگران و کارکنان و همچنین محیط زیست مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی همان رشد اقتصادی نیست؛ بلکه دارای جنبه‌های کیفی نیز است [۳].

امام خمینی(ره) توسعه اقتصادی را به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی توسعه مورد توجه قرار می‌دهند، ولی فرضیه زیربنا بودن اقتصاد را مردود می‌شمارند. ایشان ضمن تأکید بر نقش اقتصاد در توسعه و اولویت آن بر مسایل سیاسی و نظامی، در عین حال، توسعه اقتصادی را ابزاری برای توسعه همه جانبه تلقی می‌کنند و نه هدف نهایی جامعه، بر اساس

فرمایشات امام(ره)، استراتژی‌های توسعه اقتصادی در قالب هفت استراتژی اصلی بیان شده است که عبارتند از:

۱. استراتژی خودکفایی اقتصادی
۲. استراتژی توسعه روستایی و کشاورزی
۳. استراتژی صنعتی شدن
۴. استراتژی توسعه اقتصاد اسلامی
۵. استراتژی توسعه عدالت اقتصادی

مسئله‌ای که همواره کشورهای استقلال طلب و انقلابی با آن مواجه بوده‌اند، مسئله وابستگی اقتصادی این کشورها به نظام‌های استعماری بوده است. از آنجا که استقلال طلبی و آزادی خواهی جوامع، منافع کشورهای استعماری را به خطر می‌اندازد؛ آن‌ها تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای مختلف، کشورهای انقلابی را تحت فشار قرار دهند، که یکی از مهم‌ترین این حربه‌ها، حربه اقتصادی است. امام(ره) با درک این مطلب بسیار مهم، همواره استقلال و خودکفایی کشورمان را، به‌ویژه در زمینه‌هایی که از مزیت نسبی برخوردار است (همچون کشاورزی و...) مورد تأکید قرار داده‌اند.

در استراتژی استقلال و خودکفایی اقتصادی، که یکی از محوری‌ترین استراتژی‌های توسعه اقتصادی است، امام(ره) استقلال سیاسی و حتی نظامی و در برخی موارد نیز، استقلال فرهنگی را به آن وابسته دانسته‌اند. برای تحقق این استراتژی؛ برنامه‌هایی همچون: محوریت کشاورزی [۷]، خودگردانی اقتصادی [۷]، عدم اتکاء به شرق و غرب [۷] خودکفایی نظامی، [۷] خودکفایی صنایع [۷] توسعه روحیه استقلال و خودکفایی، [۷] توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، [۷] فرصت به نیروهای داخلی [۷] و بهره‌برداری از امکانات بالقوه [۷] مورد بررسی قرار گرفته است.

در استراتژی توسعه روستایی و کشاورزی، امام(ره) همواره در بیانات خود، اهمیت کشاورزی و به تبع آن رسیدگی به حال روستاییان و فراهم نمودن امکانات کشاورزی برای آنان را مورد تأکید قرار می‌دهند. برنامه‌های عمران روستایی [۷] صادرات کشاورزی [۷] تأمین نیازهای اساسی [۷] خودکفایی کشاورزی، [۷]، اشتغال‌زایی [۷]، بازسازی کشاورزی [۷] و مکانیزه کردن کشاورزی، [۷] از برنامه‌هایی هستند که در این استراتژی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

استراتژی صنعتی شدن، یکی از استراتژی‌هایی است که مورد توجه امام(ره) بوده است. امام(ره) در فرمایشات خود، بین گسترش صنعت و صنعتی شدن تمایز قائل می‌شوند و گسترش صنعت در رژیم گذشته را نتیجه مونتاژکاری دانسته و به شدت با آن مخالفت می‌کنند [۷]. ایشان ضمن تأیید صنعتی شدن و حتی استفاده از تکنولوژی دیگر کشورها، لزوم محور قرار دادن کشاورزی را در فرآیند توسعه صنعتی، مورد توجه قرار می‌دهند. برنامه‌های ارایه شده برای توسعه صنعتی از دیدگاه امام عبارتند از: سیاست ایجاد صنایع بنیادی و مادر [۷] توسعه فنی- تکنولوژیکی، [۷] مشارکت بخش خصوصی، احتراز از صنایع مونتاژ [۷] روابط صنعتی با سایر کشورها [۷] اهمیت صنایع کوچک [۷] (و اهمیت صادرات و واردات) [۷]. امام استراتژی صنعتی شدن را با رویکردهای مختلفی مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند که در این فرآیند، باید رویکردهای ذیل مطرح شوند:

۱. رویکرد توسعه سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، صنایع مادر و صنایع کوچک.
۲. رویکرد توسعه صنعتی از طریق صادرات کالاهای صنعتی.
۳. رویکرد جایگزینی صنایع وابسته به کشاورزی به جای صنایع مونتاژ.
۴. رویکرد مشارکت بخش خصوصی در توسعه صنعتی.

استراتژی توسعه اقتصاد اسلامی، یکی دیگر از استراتژی‌های مطرح در دیدگاه امام است. از آنجاکه امام همواره الگوبرداری از شیوه‌های غربی را برای توسعه جامعه اسلامی، مورد نکوهش قرار می‌دهند، لزوم ارایه الگوی بومی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی برای تحقق توسعه واقعی را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. با توجه به تبعیت اقتصاد از فرهنگ در دیدگاه امام باید الگوی اقتصادی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد تا الگویی اثربخش برای جامعه ارایه شود. برای ایجاد و توسعه استراتژی اقتصاد اسلامی در جامعه، برنامه‌هایی از بیانات امام استخراج شده که عبارتند از: لزوم معرفی اقتصاد اسلامی [۷] جایگزینی اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی [۷]، تنظیم روابط اقتصادی اسلامی [۷] گسترش قرض‌الحسنه [۷] بانکداری اسلامی [۷]. در استراتژی توسعه عدالت اقتصادی، برنامه‌هایی همچون: ایجاد روابط اقتصادی اسلامی [۷] نوسازی واقعی [۷] عوارض عادلانه و فقرزدایی برای تحقق وظیفه توزیع ثروت و عدالت اقتصادی در جامعه [۷] بررسی شده است. استراتژی مصرف بهینه از منابع طبیعی نیز از تأکیدات امام بوده است که با برنامه‌هایی همچون: ایجاد نقش حساب شده برای نفت در دنیا [۷] مصرف معقول [۷] و اداره

جایگزین‌های مناسب برای فروش نفت [۷] (ج ۳، ص ۷۳) بحث و بررسی شده است. امام سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در کنار سرمایه‌های، دولت، از ضروریات توسعه بیان می‌دارند، ولی در عین حال، مشروع بودن این سرمایه‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهند. در این استراتژی توسعه اقتصادی، برنامه‌هایی همچون: احترام به سرمایه‌های مشروع، [۷] امنیت سرمایه‌گذاری [۷] و تعدیل‌گرایی مورد تأکید قرار گرفته است.

ج. مدیریت توسعه سیاسی

موضوع توسعه سیاسی چنان دامن‌دار است که «هدی»^۶ آن را در قالب: دموکراسی، برابری، ثبات، مشروعیت، مشارکت، بسیج، نهادی کردن، قابلیت، هویت، نفوذ، توزیع، همبستگی، عقلایی کردن، امنیت، رفاه، عدالت و آزادی شناسایی کرده است. ساموئل هانتینگتون^۷ نظریه‌پرداز صاحب نام توسعه، محور توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند و معتقد است که هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌پذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد [۳].

امام سیاست را علم اداره امور جامعه می‌دانند که طی آن، مصالح جامعه تأمین می‌شود. از آنجا که تشخیص مصالح جامعه از عهده هر کسی بر نمی‌آید، امام معتقدند که مسئولیت امور سیاسی جامعه باید بر عهده انبیاء باشد و بعد از آن‌ها، این وظیفه بر عهده اولیاء و علمای بیدار اسلام است. مراد از علمای بیدار، علمایی است که با مسایل روز آشنا هستند و توان تشخیص مصالح جامعه را بر آن اساس دارند [۷]. امام علت متناقض خواندن دین اسلام و سیاست را از سوی برخی افراد، عدم درک درست آن‌ها از مفهوم مذهب در فرهنگ اسلامی می‌دانند و رهبر و سیاستمدار را به‌عنوان واژه‌هایی مکمل در نظام اسلامی معرفی می‌نمایند که تکمیل‌کننده یکدیگرند [۷]. ایشان، مروج تز جدایی دین از سیاست را مستکبران می‌دانند که با این وسیله تلاش نموده‌اند تا کشور ما را عقب‌مانده نگه دارند. استراتژی‌های مطرح در توسعه سیاسی از دیدگاه امام عبارتند از:

۱. استراتژی مشارکت سیاسی و دموکراسی
۲. استراتژی گسترش آزادی‌های عمومی

۳. استراتژی توسعه قانونی - حقوقی
۴. استراتژی توسعه امنیت
۵. استراتژی توسعه سیاست خارجی
۶. استراتژی توسعه هویت عمومی

در استراتژی توسعه مشارکت سیاسی و دموکراسی، امام برداشت غرب و شرق از دموکراسی را رد می‌کنند و الگوی واقعی دموکراسی را تحت عنوان دموکراسی اسلامی ارایه می‌نمایند. برای تحقق این استراتژی، برنامه‌هایی در دیدگاه امام وجود دارد که مهم‌ترین این برنامه‌ها عبارتند از: حکومت جمهوری اسلامی [۷] مشارکت سیاسی در چارچوب موازین اسلامی [۷] رشد سیاسی [۷] عدم مداخله نظامیان در سیاست [۷] ضرورت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت [۷] دموکراسی اسلامی از دیدگاه امام را در می‌توان در مفروضات ذیل خلاصه نمود:

۱. دموکراسی غربی و شرقی فاسد است (زیرا آن‌ها طرفدار سرمایه‌داری و قدرتمندان هستند)

۲. دموکراسی اسلامی واقعی‌ترین نوع دموکراسی است.

۳. دموکراسی اسلامی مبتنی بر حقوق بشر است.

۴. تمام افراد جامعه اسلامی (مردم عادی و مسئولان) با هم مساویند.

۵. در دموکراسی اسلامی، آزادی (بیان، عقیده و...) به معنی واقعی کلمه وجود دارد و فقط در مواقعی که به انحراف منجر شود، محدود می‌شود.

در استراتژی گسترش آزادی‌های عمومی، برنامه‌هایی همچون: آزادی بیان [۷] آزادی مذهب و عقیده [۷] آزادی قلم و مطبوعات [۷] و آزادی سیاسی و احزاب مورد توجه قرار گرفته است.

توسعه قانونی - حقوقی، از استراتژی‌هایی است که امام تأکیدات زیادی بر آن داشته‌اند، که این استراتژی با برنامه‌هایی همچون: حاکمیت قانون اسلامی [۷] تبعیت از قانون [۷] قضاوت صحیح [۷] جلوگیری از هر ج و مرج [۷] و عدم قبول توصیه [۷] (ج ۱۰) بررسی شده است.

استراتژی توسعه امنیت، از جمله استراتژی‌هایی است که در توسعه سیاسی مورد بررسی قرار گرفته که برنامه‌های تحقق بخش این استراتژی از دیدگاه امام عبارتند از: حفظ تمامیت

ارضی، [۷] امنیت سرمایه گذاری، [۷] (ج ۱۷، ص ۱۶۵) همکاری امنیتی با سایر کشورها [۷] (ج ۵) آرامش برای اصلاحات و آرامش برای بازسازی [۷].

امام همواره برنامه ریزی صحیح برای دستیابی به یک استراتژی منطقی در سیاست خارجی را مورد توجه قرار داده‌اند که مهم‌ترین برنامه‌های این استراتژی در دیدگاه امام عبارتند از: روابط خارجی عادلانه [۷] روابط بر اساس احترام متقابل [۷] سیاست مستقل و بیطرف [۷] و در نظر گرفتن مصالح کشور [۷] (ج ۴، ص ۲۴۸). تفاهم میان هیئت حاکمه و مردم از مواردی است که در استراتژی توسعه هویت عمومی و با توجه به برنامه‌های: تفاهم دولت و ملت [۷] مقبولیت زمامداری از سوی مردم [۷] و عمل به حقوق متقابل ملت و حکومت [۷] بررسی شده است.

نتیجه گیری

تغییر و دگرگونی جزء لاینفک زندگی بشر است. بر همین مبناست که انسان‌ها می‌کوشند تا از این واقعیت غیر قابل انکار، حد اکثر بهره را ببرند و پیشرفت و ترقی زندگی اجتماعی خود را تضمین نمایند. با توجه به رویکرد اقتضایی، یک بهترین روش توسعه برای جوامع وجود ندارد، بلکه بهترین الگو بستگی به شرایط هر جامعه دارد. براساس این اصل کلی که مورد قبول اکثر صاحب نظران توسعه نیز است؛ کشور ما نیز به صرف الگو برداری از سایر کشورهای پیشرفته نخواهد توانست به توسعه همه‌جانبه دست یابد. بنابراین بر همه فرهیختگان و صاحب نظران بومی ضروری است تا با به کارگیری دانش و تجربیات خود، الگویی بومی و متناسب با نظام ارزشی جامعه اسلامی طراحی و به اجرا در آورند. در این میان تبیین دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به عنوان پایه گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، جهت دستیابی به الگوی مدیریت توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج این پژوهش ضمن آنکه مدیران و سیاست گذاران جامعه را با تفکرات و رهنمودهای امام (ره) راجع به مدیریت توسعه آشنا می‌سازد، می‌تواند الگویی عملی در خصوص تحقق توسعه مدیریتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد تا متناسب با مفروضات نهفته در این حوزه‌ها، اقدام به برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه مادی و معنوی در جامعه نمایند.

منابع

۱. افتخاری رکن‌الدین (۱۳۷۳). مکانیسم برنامه‌ریزی در ایران با تأکید بر برنامه‌ریزی روستایی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، انتشارات سمت.
 ۲. الوانی سیدمهدی (۱۳۷۸). مدیریت دولتی جدید و توسعه: ارایه یک مدل تلفیقی، همایش نظام اداری و توسعه.
 ۳. پاپلی یزدی محمدحسین، ابراهیمی محمدامیر (۱۳۷۶). نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
 ۴. توسلی غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران: انتشارات سمت.
 ۵. زاهدی اصل محمد (۱۳۷۳). رفاه اجتماعی و توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران: انتشارات سمت.
 ۶. زنجانی‌زاده هما (۱۳۷۳). زنان، جمعیت و توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران: انتشارات سمت.
 ۷. صحیفه امام (۱۳۷۹). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ (۲۲ جلد).
 ۸. فقیهی ابوالحسن (۱۳۶۹). دیوانسالاری و توسعه در تئوری و عمل، مجله اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی؛ ۸.
 ۹. گریفین کیت (۱۳۷۵). راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه: حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، نشر نی.
 ۱۰. مقدس جلال (۱۳۷۲). مدیریت و توسعه، مجله مدیریت دولتی؛ ۲۲.
 ۱۱. مومنی فرشاد (۱۳۷۳). کالبدشناسی یک برنامه‌ی توسعه، دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۲. هولستی آل‌آر (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
13. Bapuji M (1997). Public administration Studies in India: an overvie, in Bhaskara Rao & Arvind Sharma. public administration: Quest for identit, Delhi: Vikas publishing House.

14. Datta Prabhat (1997). The trauma of public administration discipline in India, in Bhaskara Rao & Arvind Sharma, public administration: Quest for identity, Delhi: Vikas publishing House.
15. Denhardt Robert (2000). Theories of public organization, Harcourt Brace College Publishers.
16. Fellmann jerome & Getis Arthur & Getis Judith (2001). Human Geography: Landscapes of Human activities, Boston: McGraw-Hill.
17. HSU David & Roberts Edward & Eesley Charles (2006). Entrepreneurs from technology-based universities, in Derrick Mckoy, measuring the utility of institutional reform in the public service, philadelphia: wharton school.
18. Jain R.B (1997). Teaching and research in comparative public administration in India, in Bhaskara Rao & Arvind Sharma, public administration: Quest for identity, Delhi: Vikas publishing House.
19. Otsuka keijiro (1995). Technology choice, employment and development, Asian Development Review; 13(2): 105-137.
20. Stiglitz Joseph (2003). Globalization, technology and Asian development, Asian Development Review; 20(2): 1-18